

مقاله پژوهشی

مطالعه پدیدارشناسانه آگاهی و درک نخبگان از چالش‌های مدیریت

شهری (مطالعه موردی: شهر اهواز)^۱

سجاد بهمنی^۲ و عبدالرضا نواح^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی آگاهی و تجربه زیسته نخبگان و مدیران شهر اهواز از تعریف، مفهوم و ابعاد مدیریت شهری است. برای دستیابی به این هدف ۱۴ نفر از نخبگان و مدیران استان به روش پدیدارشناسی و با تکنیک مصاحبه عمیق مورد مطالعه قرار گرفتند. بنا بر نتایج، پدیدار اجتماعی مدیریت شهری اهواز در تم‌های مرکزی معنای مدیریت شهری، پاسخگویی و تعامل با مردم، اخلاق حرفه‌ای، تسهیم دانش، رفتار متعهدانه و وظایف مدیریت شهری سازماندهی شده است. از نظر مشارکت کنندگان در برخی موارد اقدامات صورت گرفته در حوزه مدیریت شهری اهواز بر اصول علم مدیریت استوار نیست و عمق کافی را ندارد. همچنین، قوانین دست و پاگیر گاه موجب کندی غیرضروری فعالیت‌ها می‌شود و از سوی دیگر، گاه فقدان جدیت و عدم تأکید بر قانون، چالش‌های مختلفی را ایجاد می‌کند. جای خالی نمادهای مرتبط با خرده‌فرهنگ‌ها در شهر احساس می‌شود. به علاوه، تعامل مدیریت شهری با شهروندان در سطح مناسبی قرار ندارد.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، روش پدیدارشناسی، شهر اهواز.

طبقه‌بندی موضوعی: P25.O3 .O18

۱. DOI مقاله: 10.22051/IJOSED.2023.40590.1013

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) Email: s.bahmani@scu.ac.ir

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. Email: navah-a@scu.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

شهر، مرکز فرصت و محیطی برای ارائه توانایی‌های بالقوه انسانی است. تمرکز روز افزون افراد در نواحی شهری و رشد سریع شهرنشینی ناشی از مهاجرت و همچنین، افزایش طبیعی جمعیت شهر، مشکلاتی را در ارائه خدمات متناسب با میزان افزایش جمعیت شهری به وجود می‌آورد که خود به عنوان یکی از موانع اصلی اجرای وظایف و ارائه خدمات شهری کافی به شهروندان می‌گردد. این امر توأم با عدم رغبت مردم برای مشارکت در فعالیت‌های عمران شهری، که تا حد زیادی ریشه در شیوه نظام اداری متمرکز دارد، از عواملی هستند که توانایی مسئولان را در تامین نیازهای ساکنان شهری با مشکل مواجه می‌سازد. بنابراین، کارکرد مدیریت شهری کارآمد به عنوان یک نهاد مدیریتی فراگیر و درگیر با موضوع‌ها و پدیده‌های بسیار گسترده و متنوع شهر و شهرنشینی ضروری است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۱). به علاوه اینکه، توسعه انسانی پایدار در شهر میسر می‌گردد. شهر بزرگترین بستر اجتماعات انسانی و مؤثرترین سیستم هوشمند تأثیرگذار بر شرایط و مشخصه‌های زیست‌محیطی زمین است (وستون^۱، ۲۰۰۹، ۱۵۳). به طوری که پس از انقلاب کشاورزی، ایجاد شهر به عنوان دومین انقلاب عظیم در فرهنگ انسان بود (نظریان، ۱۳۸۸، ۲۷). در واقع پدیده شهر و شهرنشینی روند اجتماعی برجسته‌ای است که بیشتر موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان و محیط و انسانها با یکدیگر شده است (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳، ۲). بنابراین، شهرها از همان آغاز مبدأ اصلی تحولات و رویدادهای عمده در بستر تاریخ و مکان دگرگونی رهیافت‌ها و نگرش‌ها در فرایند حرکت برای دستیابی و تجربه بهترین شرایط مطلوب برای بشریت بوده‌اند. الگوی گرایش انسان به زندگی در شهر با میل بشر برای رفاه و امنیت تبیین شده است (باندز^۲، ۱۳۹۰، ۳۴). حتی در شهرهای امروزی، تفاوت‌ها در قیمت زمین و مسکن در نواحی مختلف شهری را هم می‌توان با عواملی چون میزان رفاه و امنیت مدل‌سازی و تبیین کرد. امروزه عمده‌ترین مباحث و راه‌حل‌های توسعه پایدار شهری در مقیاس محله مطرح می‌شوند. دلیل این امر به ویژه در کشورهای در حال توسعه حاد بودن مسایل و بحران‌های زیست‌محیطی در مقیاس محلی بوده و محله‌ها مدت‌ها نقطه تمرکزی در رشته شهرسازی بوده‌اند (عزیزی، ۱۳۸۰، ۱۵).

1 Weston
2 Bonds



از اواسط دهه ۱۹۸۰ میادی تا کنون، توجه عمده مدیریت شهری بر ظرفیت‌سازی محلی و تقویت نهادی- سازمانی برای مدیریت فرایند توسعه شهری و در نهایت، حرکت از نوعی مدیریت متمرکز به مدیریت محلی و سطوح پایین‌تر و ابعاد ملموس زندگی شهری معطوف شده است (حاجی پور، ۱۳۸۵ به نقل از فریدمن^۱، ۱۹۹۳). از نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم نیز به دنبال تغییرات ساختاری و بنیادی در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان، مطالعات نظری و تحقیقات کاربردی در حیطه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری به طور جدی صاحب نظران و متخصصین امور شهری را وادار به چرخش محسوسی به سوی نظام‌های دموکراتیک شهری و رویکرد اداره شهرها از سطوح خرد به کلان نمود (لرنر^۲، ۲۰۰۸، ۲۳). تجربیات کشورهای جهان و البته بسیاری از تجربیات شهرداری در کشور نشان داده است که نمی‌توان از نگاه بالا و در قالب نقشه‌های مختلف در حل این معضلات شهری موفق شد. بر همین اساس، بار دیگر توجه به محلات در دستور برنامه‌ریزان شهری قرار گرفت. بنابراین، در دهه‌های اخیر، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای مدیریت و برنامه‌ریزی بر ترویج نوعی نگرش مشارکتی برای تشویق مدیریت و برنامه‌ریزی از «پایین به بالا» و تاکید بر اجتماعات محله‌ای به منظور توانمندسازی آنها و نظارت بر اقدامات توسعه‌ای تاکید داشته‌اند (اوکلی^۳، ۱۳۹۲، ۱۱-۱۲).

در استان خوزستان و در شهر اهواز، چالش‌های مدیریت شهری یکی از محورهای گفتگو و گاه مجادله است به ویژه هنگامی که بحث خدمات شهری و کیفیت حکمرانی و مدیریت شهری مطرح می‌شود. بالازدگی فاضلاب و آبگرفتگی معابر و چالش‌های مشابه دیگر سبب شده است شهروندان اهوازی با حساسیت بالا مدیریت شهری را مورد توجه قرار دهند. با این وجود، ضرورت دارد نحوه مدیریت شهری و چالش‌های مرتبط با آن مورد توجه قرار گیرد تا درک روشنی از این موضوع فراهم گردد. به ویژه آنکه تحولات مرتبط با فناوری و دانش نیز بر این حوزه تاثیرات مستقیمی دارند. با در نظر داشتن این موارد، پرسش اساسی این است که با این تحولات نظری در مفهوم و ابعاد مدیریت شهری، تا چه اندازه نخبگان، مدیران و سیاست‌گذاران در ایران از این روند آگاه هستند؟ در سطح ملی نیز اهمیت این

1 Friedman

2 Lerner

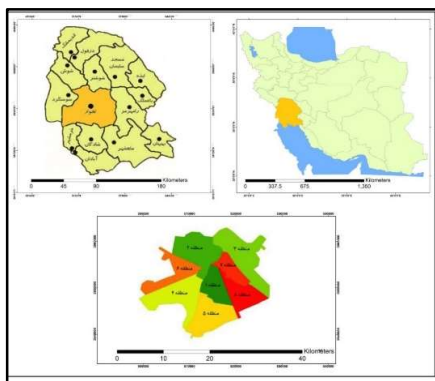
3 Oakley



موضوع را می‌توان مورد مذاقه قرار داد و این پرسش اساسی را مطرح کرد که با گذشت چندین دهه از شکل‌گیری شهرهای نوین در ایران و استقرار مدیریت شهری، آیا مدیران و نخبگان در استان خوزستان متناسب با این تحولات تغییر کرده است و اساساً آیا از این روند تغییرات مفهومی و جهت‌گیری مدیریت شهری آگاه هستند؟

معرفی محدوده مورد مطالعه

از نظر جغرافیایی شهر اهواز در ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. این شهر با مساحت ۲۲۰ کیلومتر مربع دومین شهر وسیع ایران پس از تهران می‌باشد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴، ۳). شهر اهواز به عنوان مرکز اداری-سیاسی استان خوزستان و مرکز منطقه‌ی جنوب غربی کشور با جمعیت تقریبی یک میلیون نفری (۱۰۵۶۵۸۹ نفر) خود از موقعیت سیاسی و اقتصادی خاصی برخوردار است (شهرداری اهواز، ۱۳۹۲، ۱۰)؛ به گونه‌ای که این شهر با ۸ منطقه شهری حدود یک چهارم جمعیت نقاط شهری استان خوزستان را در خود جای داده است. شهر اهواز از شمال به شهرهای شیبان، ویس، ملائانی، شوشتر دزفول و شوش؛ از شرق به شهرستان رامهرمز؛ از غرب به شهر حمیدیه و دشت آزادگان و از سمت جنوب به شهرهای شادگان، بندر ماهشهر، خرمشهر و آبادان محدود می‌گردد. این شهر دارای هشت منطقه شهرداری است که هر یک دارای ۳ تا ۴ ناحیه می‌باشند.



شکل ۱. نقشه موقعیت جغرافیایی شهر اهواز در کشور و استان
ماخذ: نگارندگان



مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

در ایران، پیشینه نهادهای رسمی برای اداره امور شهر به چند دهه پیش از مشروطیت به دوران قاجار باز می‌گردد. در آن دوران برای اولین بار سازمانی رسمی تحت عنوان «احتسابیه» تشکیل شد. وظیفه عمده این نهاد سامان دادن به امور اصناف و رتق و فتق امور عمومی شهر و نظارت بر حسن رفتار شهروندان و تابعیت از حکام محلی از طریق این نهاد، یعنی احتسابیه بود. در احتسابیه اداره امور روزمره و اجرایی شهر از سوی حاکم به عهده کلانتر که در واقع مدیر احتسابیه بود، سپرده می‌شد تا در چارچوب این نهاد به هدایت و سازمان‌دهی امور اجرایی شهر بپردازد. مقامات احتسابیه نیز از ناحیه شاه منصوب می‌شدند و تابع او بودند. در نتیجه مدیریت شهری از ویژگی انتخابی بودن مدیریت محلی و اتکاء آن به آراء مردم بی‌بهره بود. در سال‌های بعد، احتسابیه در تشکیلات جدید پلیس ادغام شد و مدیریت محلی با قدرت انتظامی پیوند خورد و «اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه» تشکیل شد. پلیس علاوه بر پیشگیری از جرم و جنایت وظایف دیگری نیز داشت، از جمله کمک‌رسانی هنگام سانحه، منع و تنبیه الواتی، مستی، قمار، فحشاء و همچنین، رسیدگی به نظافت شهر. پلیس وظیفه داشت راه‌آبهای شهر را سرپرستی کند تا از آلودگی محفوظ بماند. قوانینی هم برای عبور و مرور وجود داشت. در وهله اول اطفال از انداختن سنگ یا چیز دیگری به تراموا یا دشنام دادن به مسافران قدهن شدند. دوم، به چارواداران دستور داده شد که چارپایان خود را به جای این که گله وار رها کنند در یک خط به دنبال هم حرکت دهند. برای عبور و مرور پیاده‌ها به دکان‌ها دستور داده شد که بساط خود را از محل عبور پیاده‌ها جمع کنند و به طوافان یا فروشندگان دوره‌گرد دستور داده شد که از فروش کالا در بازار خودداری کنند، زیرا مانع عبور و مرور می‌شوند (فلور^۱، ۱۳۶۶). پلیس هنگام بروز نزاع و زد و خورد که زیاد بود و بیشتر اوقات در کوچه و خیابان روی می‌داد، طرفین دعوا را صلح می‌داد. این نقش پلیس بسیار قابل‌توجه و موثر بود (اتحادیه، ۱۳۷۶).

نصیری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی وضعیت مدیریت ناحیه محوری منطقه ۴ شهرداری تهران از لحاظ شاخص‌های پنج‌گانه حکمروایی مطلوب شهری پرداخته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد طرح ناحیه‌محوری نقش بسزایی در



حکمروایی شهری دارد و توجه به مدیریت ناحیه‌محوری موجود در محلات موجب افزایش میزان مشارکت شهروندان در برنامه‌های شهری خواهد شد.

مشکینی و همکاران (۱۳۹۳) نیز به پژوهشی با عنوان "ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری مطالعه موردی: محله اوین، تهران" پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد شاخص‌های اثربخشی و پاسخگویی، از کارکرد بیشتری در شکل‌گیری الگوی مطلوب مدیریت محله اوین برخوردار بوده‌اند و مدیریت محله اوین از لحاظ شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری در وضعیت خوبی قرار دارد.

بلایر^۱ (۲۰۰۰)، مشارکت و پاسخگویی را برای ارتقای حکمروایی محلی مردمی با اهمیت‌تر می‌داند و پاسخگویی را به عنوان محدوده وسیع‌تری از فعالیت‌ها برای استراتژی حکمروایی محلی مردمی معرفی می‌کند.

استوارت^۲ (۲۰۰۶) چهار چالش شاخص‌های در حال توسعه حکمروایی خوب شهری را مفهوم مقیاس انتخاب، انتخاب ساده و ارزیابی شاخص‌ها را معرفی و استدلال می‌کند که مشارکت شهروندان به طور جدایی‌ناپذیری به حکمروایی خوب شهری در ونکوور بزرگ وابسته است و در این میان، انتخابات شهرداری را فرصت خوبی برای افراد می‌داند که برای حذف نابرابری‌های مشارکت شهروندان راهکاری مناسب می‌داند.

رامی^۳ (۲۰۱۰) نیز ظرفیت‌سازی کارگزاران شهری را به عنوان یک رویکرد برای تقویت شیوه‌های کار شهری معرفی می‌کند که به بهبود عملکرد شهرداری در هند منجر شده است.

رومانزیک^۴ (۲۰۲۱) نیز در پژوهشی با عنوان «به سوی حاکمیت شهری: گذشت بیست سال از قرارداد محله‌ای در بروکسل»، نشان داد در پایان قرن بیستم، مقاومت داخلی در برابر شکل‌گیری سیاست شهری در حاکمیت شهری شروع شد، که به شهروندان اجازه می‌دهد با ابزارهای جدید برای توسعه شهرهایشان تصمیم بگیرند. یکی از این ابزارها، سیستم قرارداد محله‌ای است، که در سال ۱۹۹۴ پس از ایجاد منطقه پایتخت بروکسل در سال ۱۹۸۹ در بروکسل اتخاذ شد. این پژوهش سیر دو دهه‌ای از قرارداد محله‌ای (به عنوان

1. Blair
2. Stewart, Kennedy
3. Rumi Aijaz
4. Romanzic



یک ابزار مهم در اداره بروکسل) و معرفی آن به همراه برخی انتقادات به آن را بررسی می‌کند. نتایج نشان داد قرارداد محله‌ای، یک راه‌حل مناسب برای چالش‌های پیش روی این منطقه در بلژیک است.

هیبیتا^۱ (۲۰۲۲) ابتدا به تعاریفی در خصوص حکمروایی خوب شهری می‌پردازد و سپس حکمروایی خوب را شامل نهادهای رسمی، مدیریت‌های غیررسمی و سرمایه اجتماعی شهروندان معرفی می‌کند.

مبانی نظری

مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد^۲ حکمرانی را مجموعه‌ای از اقدامات فردی و نهادی، عمومی و خصوصی برای برنامه‌ریزی و اداره مشترک امور و فرآیند مستمری از ایجاد تفاهم میان منافع متفاوت و متضاد که در قالب اقدامات مشارکتی و سازگار حرکت می‌کند و شامل نهادهای رسمی و ترتیبات غیررسمی سرمایه اجتماعی شهروندان است، تعریف می‌کند (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵). کاروس^۳ (۱۹۹۷) حکمرانی را فرآیند تعامل پویا بین حکومت، بازار و بازیگران اجتماعی تعریف می‌کند که هر یک از طریق فرآیندهای رسمی و غیررسمی بر اعمال و تصمیمات دیگران تأثیر می‌گذارند و علاوه بر دولت، نقش دو عنصر بازار و مردم را در رشد و توسعه شهرها، مهم و اساسی می‌داند (برک‌پور، ۱۳۸۵، ۱۹۰).

بر اساس مطالعاتی که در زمینه حکمروایی شهری و مطابقت آن در شرایط شهرهای ایران انجام شده است، معیارهایی چون مشارکت شهروندان، اثربخشی و کارایی، پذیرا بودن، مسئولیت و پاسخ‌گویی، شفافیت، قانون‌مندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی به عنوان معیارهای حکمروانی خوب شهری در ایران نام برده شده است. هر یک از این معیارها دارای مفهومی است که در نظامی یکپارچه در تعامل با یکدیگر نظام مدیریت شهری مبتنی بر حکمروایی خوب را تشکیل می‌دهد. در ادامه، هر یک از معیارهای فوق به عنوان معیارهای مطلوب حکمروایی شهری در شهرهای ایران معرفی می‌گردند (برک‌پور، ۱۳۸۵، ۵۰۱):

1. UN- HABITAT
2. UN-HABITAT, the urban governance index.
3. Karus



- ۱) مشارکت شهروندان: منظور از مشارکت قدرت تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیریها و سهیم شدن شهروندان در قدرت است. مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تأیید سیاست‌های آنان محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی است که در آن شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری شهری سهیم می‌شوند.
- ۲) اثربخشی و کارایی: این معیار بر استفاده از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است.
- ۳) پذیرابودن و پاسخ‌ده بودن: این معیار، دو نکته مکمل را هم در بر دارد. مسئولان شهری باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم نسبت به آن واکنش و پاسخ مناسب از خود نشان دهند. بنابراین، هم‌سوئی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسئولان مورد توجه است.
- ۴) مسئولیت و پاسخگویی: این معیار بر مسئول بودن و، به عبارت گویاتر، حساب پس دادن مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان استوار است. بنابراین وجود سازوکارهایی برای پاسخگویی مسئولان ضروری است.
- ۵) شفافیت: شفافیت نقطه مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است، پنهان‌کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است.
- ۶) قانون‌مندی: منظور از قانون‌مندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌هاست. پای‌بندی به قوانین مستلزم آگاهی شهروندان از قانون و همچنین، احترام مسئولان به قانون است.
- ۷) جهت‌گیری توافقی: شهر عرصه حضور گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از جهت‌گیری توافقی تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمانهای غیردولتی (نماینده گروه‌های مختلف) است.



۸) عدالت: منظور از عدالت ایجاد فرصتهای مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقاء وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸، ۱۰).

۹) بینش راهبردی: فرا رفتن از مسائل روزمره شهری و پرهیز از غرق شدن در آنها، مستلزم وجود بینشی گسترده و دراز مدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است.

۱۰) تمرکززدایی: طبق مطالعات بانک جهانی، بیش از ۶۰ درصد کشورهای در حال توسعه در حال اجرای برنامه تمرکز زدایی هستند (شفیعی، ۱۳۸۱، ۵۱؛ فکوهی، ۱۳۸۳، ۳۸۳).

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست، بلکه پیشینه آن به آغاز شکل‌گیری تمدن بشری می‌رسد. به بیانی ساده مفهوم حکمرانی فرآیندی از تصمیم‌سازی است، روندی که تصمیم‌ها در آن به اجرا در می‌آیند (فرزین پاک، ۱۳۸۳، ۶۸). از این رو می‌توان آن را به قدمت تمدن بشری دانست. به طور خاص یکی از نخستین مطالعات در حوزه مسائل شهری و مرتبط به این موضوع را برایان مک لالین^۱ در اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام داده است. او حکمرانی را نوعی فرآیند می‌داند که متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت^۲ و هم اجتماع^۳ را در بر می‌گیرد. افرادی دیگری چون مک کینلی^۴، اتکینسن^۵ نیز پس از او این بحث را مطرح کرده‌اند (برک‌پور، ۴۹۱، ۱۳۸۵). بانک جهانی در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت که حکمرانی (شیوه مدیریت اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان) موضوع محوری توسعه است. پس از آن سازمان ملل در دومین کنفرانس مربوط به سکونتگاه انسانی^۶ در سال ۱۹۹۶ در استانبول تأکید کرد که در جهت استقرار حکمرانی شهری در شهرهای جهان قدم بردارد و شعار خود را «فعالیت جهانی برای حکمرانی شهری پسندیده» قرار دهد. پس از آن مفهوم جدید حکمرانی خوب در سمینارها و همایش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفت و از سال ۲۰۰۰ بانک جهانی هر ساله گزارشی در مورد فعالیت‌ها

1. Mac Lalyn
2. Government
3. Community
4. Mc Linlay
5. Atkinson
6. Habitat



و همکاری‌های این بانک با کشورهای مختلف با عنوان «اصلاح نهادهای عمومی و تقویت حکمرانی^۱» منتشر کرده است (عربشاهی، ۱۳۸۳، ۱۲). بانک جهانی در میان آژانس‌هایی بوده که در راستای ترویج حکمرانی خوب شهری تلاش نموده است. این تلاش منجر به افزایش آگاهی از میزان اهمیت حکمرانی خوب شهری شده است. بانک جهانی مشخصه‌های اصلی حکمرانی خوب شهری را این‌گونه بیان می‌دارد:

- روندی که با آن کسانی در قدرت هستند به صورت آزاد انتخاب و جایگزین شوند،
- پاسخگویی در برابر شهروندان،
- ثبات سیاسی برای اعمال سیاست‌ها،
- تأثیرگذاری حکومت‌های محلی،
- وسعت قاعده،
- تعادل بین شهروندان، دولت و بخش خصوصی،
- قانونمندی و
- کنترل فساد.

در مقام تعریف، حکمرانی خوب شهری نوعی فرایند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است که هم حکومت شهری و هم جامعه مدنی را در بر می‌گیرد و بر حقانیت و تقویت عرصه عمومی تأکید دارد (برک پور، ۱۳۸۵، ۴۹۸). همچنین اصطلاح حکمروایی به معنای تمرکز بر فرآیند چگونگی اقتدار و منابع اختصاص داده شده در جهت اقدام هماهنگ و کنترل شده می‌باشد. بنا بر نظریه اکثر صاحب‌نظران، حکمرانی خوب شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان تأثیرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام سازوکارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند. نه این‌که عرصه‌های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط عرصه حکومتی اختیار دار آن دو باشد. به عبارت دیگر، منشأ قدرت و مشروعیت در حکمرانی خوب شهری، تمام شهروندان و حضور آن‌ها در همه صحنه‌ها و ارکان جامعه مدنی است (شهیدی، ۱۳۸۶، ۴۲). در واقع حکمرانی خوب شهری، روندی برای تصمیم‌گیری برای این‌که بدانیم کدام تصمیم کاربردی‌تر است. حکمرانی خوب شهری در واقع فرآیندی است که دولت آن را برنامه‌ریزی و هدایت می‌کند ولی با همکاری بخش خصوصی و همچنین شهروندان جامعه را به پیش می‌برد (برآبادی، ۱۳۸۳، ۴۵). در مقایسه با مفهوم

حکمرانی به طور عام، حکمرانی خوب شهری باید دارای ویژگی‌هایی باشد که مطلوبیت آن را تبیین کند. بر این اساس حکمرانی خوب، روشی است، مشارکتی، اجماع‌گرا، پاسخگو، شفاف، کارا و در برگیرنده و پیرو قانون (فرزین پاک، ۱۳۸۳، ۷۰). سازمان‌های بین‌المللی و صاحب‌نظران معیارهای مختلفی را برای تبیین حکمرانی خوب بیان کرده‌اند. در دومین اجلاس سازمان ملل متحد در مورد سکونت‌گاه‌های انسانی، معیارهایی چون: پاسخگو بودن، فراگیر بودن، مشارکت‌جو بودن، قانون‌مدار بودن و غیره به عنوان ویژگی‌های حکمرانی خوب مطرح شده‌اند. به طور کلی از برآیند نظرات مختلفی که در مورد مؤلفه‌های حکمرانی خوب شهری بیان شده است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی آگاهی و درک نخبگان شهر اهواز در استان خوزستان از مسئله مدیریت شهری است؛ اینکه آنها چه تصوراتی درباره مدیریت شهری دارند و در رویارویی با این مسئله چه ارزیابی از آن نشان می‌دهند. از آنجا که بهترین روش برای بررسی آگاهی و تجربه زیسته روش پدیدارشناسی است، پژوهش حاضر با این روش انجام شده است. پدیدارشناسی همزمان فلسفه و روشی است که ماهیت یا ذات پدیده‌ها (واحدهای بنیادی در فهم هر پدیده) را بررسی می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰، ۲۶۱/۱). پژوهش حاضر به روش موستاکس^۱ انجام شده و شامل مراحل زیر است (بودلایی، ۱۳۹۵، ۳۴):

در اولین مرحله، بیان مسئله و سؤال پژوهش تدوین شده است. سپس، مفروضات فلسفی و پدیدارشناختی گردآوری شده‌اند. سؤال اصلی پژوهش در مورد ذهنیت مشترک مشارکت‌کنندگان پژوهش از مدیریت شهری است.

نمونه‌گیری، دومین مرحله از پژوهش پدیدارشناسی است. در این مرحله تعداد ۱۴ نفر از نخبگان اجرایی استان که آشنایی کافی با وضعیت و کیفیت مدیریت در شهر اهواز و در سطوح مختلف دارند، بررسی شده‌اند. نمونه‌گیری به شیوه هدفمند و در دسترس بوده و تلاش شده است افرادی برای نمونه‌گیری انتخاب شوند که توانایی و فرصت کافی برای گفتگو داشته باشند. هدف پژوهش‌های کیفی، ارائه نمونه معرف نیست؛ بنابراین، نمونه‌ها با توجه به اهداف پژوهش انتخاب می‌شوند. حجم نمونه مانند بیشتر روش‌های کیفی تابع



قاعده اشباع است (پاتن^۱، ۲۰۰۲: ۲۱۳). در این پژوهش پژوهشگر با مصاحبه با ۱۴ نفر از نخبگان به اشباع رسیده است؛ یعنی اطلاعات بیشتری از مصاحبه‌های بیشتر به دست نمی‌آمد.

در این بررسی محورهای کلی سؤال شده از مشارکت‌کنندگان، عبارتند از: معنا و تجربه مشارکت‌کننده از مدیریت اجرایی چیست؟ مدیریت شهری ایده‌آل مدنظر او چگونه است؟ و چرا برای او ایده‌آل است؟ نگرانی او درباره مدیریت شهری در اهواز چیست؟ موانع در مسیر مدیریت از نظر او در اهواز چه بوده‌اند؟ پژوهشگر تلاش کرده است در خلال محورهای کلی مصاحبه سئوالات جزئی‌تری را مطرح و آگاهی ذهنی مشارکت‌کنندگان را واکاوی کند. مصاحبه با هر فرد به‌طور متوسط یک ساعت طول کشیده است. همچنین، در این مرحله و سایر مراحل پژوهش پژوهشگر تلاش کرده است باورهای خود درباره مدیریت شهری را در پرانتز قرار دهد تا به‌خوبی به جهان ذهنی مشارکت‌کنندگان راه پیدا کند و آن را بشناسد. در آخرین مرحله، پژوهشگر داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها را تجزیه و تحلیل و گزاره‌های معنی‌دار و مهم یا واحدهای معنایی، خوشه‌ها و تم‌ها را از گزاره‌ها استخراج کرده است (هاینکر^۲، ۱۹۸۵). در رویکرد پدیدارشناسی تجربی اصل اساسی، داشتن تجربه است. تجربه‌کردن تنها راه توصیف فردی تجربه‌های زیسته افراد است؛ درواقع، پدیدارشناسی وجوه مشترک تجربه زیسته مختلف را استنباط می‌کند و این نقطه مشترک را مبنایی برای فهم معنای اصلی آنها قرار می‌دهد (بیبر^۳، ۱۹۹۶).

منظور از واحدهای معنایی عباراتی است که مفهومی واحد را می‌رسانند. منظور از تم‌ها نیز مفاهیمی است که می‌توان مجموعه‌ای از واحدهای معنایی را ذیل آنها قرار داد. خوشه‌ها نیز دسته‌بندی‌های فرعی درون تم‌ها هستند. در ارائه نتایج هم واحدهای معنایی مشترک و هم واحدهای معنایی منفرد که زیر تم مشترک قرار می‌گیرند، گزارش شده‌اند. همچنین باید توجه داشت هر کدام از این واحدهای معنایی مشترک سازنده ذات پدیده‌اند. ذات پدیده نیز به معنای پدیدار اجتماعی یا همان میان‌ذهنیت مشترک نخبگان مطالعه‌شده درباره مفهوم و ابعاد مدیریت شهری است.

1. patton
2. Hyener
3. Beere



تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

همان طور که ذکر شد در پژوهش حاضر با تعداد ۱۴ نفر از نخبگان ساکن در شهر اهواز با هدف کسب تجربه و احصاء درک آنها از وضعیت مدیریت شهری اهواز مصاحبه عمیق شد. همه این افراد یا تجربه مدیریت در سطوح مختلف داشته‌اند و بین ۱ تا ۱۰ سال در شهر اهواز ساکن بوده و از نظر دانش و اطلاع، از صاحب‌نظران حوزه مدیریت در شهر اهواز بوده‌اند. و یا جزو نخبگان استان محسوب می‌شوند و در سمت‌ها و مشاغل دانشگاهی یا مواردی از این دست به فعالیت مشغول هستند. از میان این ۱۴ نفر، ۵ نفر در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی تحصیل کرده‌اند و ۹ نفر در حوزه فنی و مهندسی و علوم پایه. پیش از انجام پژوهش سوابق شغلی و حرفه‌ای این نخبگان مورد ارزیابی قرار گرفت و از داوران بیرونی خواسته شد که درباره اطلاع این نخبگان از وضعیت خوزستان نظر دهند تا اطمینان حاصل شود که این افراد نسبت به موضوع پژوهش آگاهی دارند. برخی از نخبگان مذکور، در حوزه مدیریت شهری اهواز و در سمت‌هایی در سطوح مدیریت و یا معاونت شهرداری اهواز، آب و فاضلاب شهری و سازمان‌های مشابه فعالیت داشته‌اند و برخی دیگر تجربه تدریس دروس مرتبط را در دانشگاه شهید چمران اهواز، پیام نور و دانشگاه آزاد داشته‌اند.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

جنس		سن		تحصیلات		ازدواج	
مرد	زن	۱۵ تا	۳۱ تا	فوق دیپلم و فوق لیسانس	فوق لیسانس و بالاتر	مجرد	متاهل
۱۲	۲	۱	۲	۱	۳	۱	۱۳

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از مصاحبه، پس از طی مراحل مختلف ذکر شده در بخش روش پژوهش، با محوریت تم‌های مرکزی گزارش می‌شود. در ادامه تم‌های مرکزی، خوشه‌ها و واحدهای معنایی به دست آمده از مصاحبه‌ها بیان می‌شوند:



۱- **معنای مدیریت شهری:** اولین تم مرکزی استخراج شده از مصاحبه‌هاست. این تم معنا و مفهوم ذهنی مشارکت‌کنندگان از مدیریت شهری را بررسی کرده و مشتمل بر خوشه‌های فضای مفهومی و تعریف مدیریت شهری است. واحدهای معنایی مربوط به فضای مفهومی و تعریف مدیریت شهری عبارتند از: شناخت از علم مدیریت، شناخت از تکنولوژی و دانش، پیشرفت و ترقی، رشد دانش شهروندان، نظم و انضباط است. از نظر مشارکت‌کنندگان معنای مدیریت شهری دربردارنده این مفاهیم است و آنان از این دریچه، به ارزیابی و فهم وضعیت مدیریت شهری در اهواز نگاه می‌کنند. به عنوان مثال، مشارکت‌کننده‌ای درباره تسلط به علم مدیریت اظهار داشته است:

«بدون بهره بردن از علم مدیریت همیشه کاری رو در شهرهای امروز پیش برد. برخی از مشکلات اهواز به نظرم از همین موضوع نشات می‌گیره و اونم در شرایطی که با بهره‌گیری از متخصصین میشه مشکلات رو کاهش داد. توی اهواز از این نظر مشکل داریم. من خیلی وقتا می‌بینم که تقسیم کار دقیقی بین سازمان‌ها وجود نداره و دوباره کاری یا چندباره کاری زیاد به چشم میاد. اینا همش هزینه‌زاست در حالی که با مدیریت یکپارچه و هوشمند قابل رفع هست...» (۵۲ ساله، کارشناسی‌ارشد).

مشارکت‌کننده دیگری درباره اهمیت مفهوم نظم و انضباط در تعریف مدیریت شهری می‌گوید:

«به نظر من یکی از تجلی‌های مدیریت شهری در نظم و انضباط شهری است. یعنی شهر باید یک جریان منظم باشه و همه چیز در اون راستا حرکت کنه. شهر باید آهنگ یکنواخت داشته باشه و مسیر مشخصی داشته باشه در راستای بهبود. اما توی اهواز این‌طور نیست، یعنی یه حرکت یکنواخت ملایم به سمت بهتر شدن در اون نیست. یا لاقلاً استنباط شهروند این‌طور نیست به نظرم. نمیشه انکار کرد که خیلی کارها داره انجام میشه؛ مثل احداث روگذر و زیرگذر و امثالهم، اما بحث اینکه که اون انضباطی که لازمه توی این موارد نمی‌بینیم...» (۴۷ ساله، دکتری). مصاحبه‌شونده دیگری درباره اهمیت تکنولوژی و دانش می‌گوید:



«بالندگی شهر به میزان دانش مدیران و برنامه‌ریزان بستگی دارد و هر چقدر اون‌ها آمادگی بیشتری برای ایجاد تغییرات نوین داشته باشن، شهر هم می‌تونه بهتر به پیش بره». (۳۸ ساله، دکتری).

۲- معیارهای مدیریت شهری مطلوب: دومین تم مرکزی استخراج شده است. از نظر نخبگان مشارکت‌کننده در پژوهش و بر مبنای اظهارات آنان، مهم‌ترین معیارهای مدیریت مطلوب شهری شامل موارد زیر است:

— حضور و مشارکت شهروندان در متن شهر: از نظر مشارکت‌کنندگان، منظور از مشارکت شهروندان در واقع توان تأثیرگذاری آنان در روند و متن شهر است. در واقع با این روند، یک شهر شراکتی شکل می‌گیرد که در آن، مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تأیید سیاست‌های آنان محدود نمی‌شود، بلکه فرایندی است که شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری شهری سهیم می‌شوند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«زینت شهر به مردمی هست که به شکل پویا و آزادانه در روند آن مداخله می‌کنند و به آن جهت میدن. حالا اگه نمادهای فرهنگ این مردم در سطح شهر نمایش داده بشه، از نظر هویتی خیلی موثره. توی اهواز در دهه اخیر به کارایی در این زمینه کردن اما بازم به نظرم لازمه این موضوع هویت خیلی جدی تر گرفته بشه» (۲۹ ساله، کارشناسی ارشد).

— پاسخگویی و تعامل با مردم: از نظر مشارکت‌کنندگان، مسئولان شهری باید درک صحیحی از خواسته‌ها و مطالبات شهروندان در سطوح مختلف داشته باشند و به نمایندگی از آنان این خواسته‌ها را پیگیری کنند. به عبارت دیگر، خواست و اراده مردم در مدیریت شهری موثر و منعکس باشد. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

«مدیریت شهری باید خیلی سهم برای نظر و دیدگاه مردم قائل باشه. یعنی برنامه‌هاش رو در تعامل با مردم ببندد. توی قانون اساسی و نگاه مسئولان هم این اومده ولی باید در اجرا اینو دید و بهش عمل کرد. برای تغییرات عمرانی یا استفاده از نمادهای فرهنگی توی اهواز چندان تعامل و نظرخواهی از مردم



نمی‌بینیم، یا لاقل من ندیدم! قطعاً اثرات مثبتی داره اینجور کارها. شهر مردمدار میشه اگه نظر مردم رو بشه توی یه فرآیند تعاملی دید». (۴۸ساله، دکتری).

– مسئولیت‌پذیری: این معیار بر مسئول بودن و به عبارت گویاتر، حساب پس دادن مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان استوار است. بنابراین، وجود سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی مسئولان ضروری است. مقصود از مدیریت شهری مطلوب وضعیتی است که موارد ذکر شده را به شکلی موثر در برگیرد. از نظر مشارکت‌کنندگان، بخشی از آنچه مدیریت شهری مطلوب می‌نامیم، در منش و کردار مدیران خود را نشان می‌دهد. برای مثال مشارکت‌کننده‌ای در این باره اظهار داشته است:

«به نظر من پاسخ‌گویی خیلی ملاک مهمیه، اگر مدیر در برابر ارباب رجوع با صداقت عمل کنه و جواب مراجعان رو بده، مردم کارشون راه می‌افته...» (۵۸ساله، کارشناسی‌ارشد).

مشارکت‌کننده دیگری درباره مفهوم مسئولیت‌پذیری به عنوان یک معیار دیگر مدیریت شهری می‌گوید:

«مدیریت باید اثربخش باشه. یعنی بین بودن و نبودن اون مدیر در اونجا یک تفاوت واقعی و محسوسی وجود داشته باشه...» (۴۱ساله، کارشناسی‌ارشد).

۳- اخلاق حرفه‌ای: سومین تم مرکزی است که از نظر مشارکت‌کنندگان در مدیریت شهری اثرگذار است و شامل: مسئولیت‌پذیری، وجدان کاری و اخلاق‌ورزی در شغل، تامین امنیت روانی کارکنان، تزریق روحیه عدالت محوری، کاهش استرس و فشارهای روانی، تشویق کارکنان به پایبندی کامل به اصول ارزشی، دارا بودن الگوهای رفتار ارتباطی، نظام مند کردن همه امور در حرفه و انتقادپذیری است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره اظهار داشته است:

«هنوز خیلی مونده تا اخلاق حرفه‌ای در مدیریت شهری اهواز جا بیفته. کارکنان احساس تبعیض دارن و فشارهای روانی هم روی برخیا بیشتر از برخی دیگست...» (۴۸ساله، کارشناسی‌ارشد).



مشارکت کننده دیگری با اشاره به اخلاق حرفه‌ای تاکید می‌کند که؛
 «ارتباط مسئولین با شهروندان ضعیفه در اهواز. برای کارمندان مهمه که
 قانون رو رعایت کنن، اما مهم نیست به شهروند و ارباب رجوع هم جوری
 توضیح بدن که اونم قانع بشه».

۴- **تسهیم دانش:** چهارمین تم مرکزی است. این تم به بعد مستندسازی تجارب و دانش در مدیریت شهری اشاره دارد و از نظر مشارکت کنندگان شامل؛ ارائه اطلاعات صحیح، انتقال تجارب، انجام کار تیمی و پشتیبانی کاری است. به عنوان مثال: خوشه انتقال تجارب برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، تبادل دانش با همکاران، مستندسازی تجارب بازنشستگان است. مشارکت کننده‌ای در زمینه واحد معنایی انتقال تجارب می‌گوید:
 «لان ما در مدیریت شهری برخی کاستی‌ها رو داریم که راهکارهای سازمانی هم برای حل و فصل اون وجود داره، اما بخاطر بی توجهی به مستندسازی دانش حل نشده مونده ...» (۴۸ساله، کارشناسی‌ارشد).
 به عنوان یک نمونه دیگر، خوشه انجام کار گروهی شامل عمل به تعهدات گروهی، ظرفیت همکاری با دیگران، افزایش تحمل و مدارا است. مصاحبه‌شونده‌ای درباره عمل به تعهدات گروهی بیان داشته است:
 «درباره ما ایرنیا گفته میشه که کار گروهی مون ضعیفه، ولی من میگم این موضوع با آموزش قابل رفعه» (۵۱ساله، دکتری).

۵- **رفتار متعهدانه:** یکی دیگر از تم‌های مرکزی ظهور یافته رفتار متعهدانه است که ابعاد آن شامل؛ تعلق خاطر به سازمان، علاقه به حرفه، برخورد عقلانی و روش‌مند در مواجهه با مشکلات اخلاقی در سازمان، تهیه و تدوین منشور اخلاقی و تعهدات کاری مربوط به سازمان است.
 از نظر مشارکت کنندگان رفتارهای متعهدانه کارکنان شاخصی است از وفاداری فرد نسبت به سازمان و اینکه فرد سازمان را معرف خود بداند و به اصطلاح به عضویت خود در چنین سازمانی ببالد. رفتارهای متعهدانه کارکنان، احساس هویت و وابستگی نسبت به یک شغل و حرفه‌ی خاص بوده و بر تمایل و علاقه به کار در یک حرفه به عنوان تعهد شغلی



تاکید دارد. مطالعات نشان داده است کارکنان با رفتار متعهدانه بر این باورند که کار در سازمان برایشان مهم است و آنها احتمالاً با ارزش‌های سازمانشان موافق بوده خود را به عنوان بخشی از سازمان حس کرده، در انجام وظایف محوله ثابت قدم هستند و تجارب کاری مهم را جهت رفاه خود و سازمانشان کسب می‌کنند. به واقع رفتار متعهدانه کارکنان منبع قوی انگیزشی برای تقویت عملکرد کارکنان و نیز متقاعد ساختن آنها برای ادامه کار در شرایط دشوار نظیر تنش و فشارهای مرتبط با کار است. یکی از مشارکت کنندگان در این باره می‌گوید:

«اینکه فرد کارش رو دوست داشته باشه خیلی مهمه...» (۳۳ساله، کارشناسی‌ارشد).

۶- وظایف مدیریت شهری: از نظر مشارکت کنندگان پژوهش، یک مدیر شهری باید بتواند در دنیای رقابتی نقاط قوت و ضعف شهر خود را شناخته و درصدد تقویت مزایای رقابتی آن برآید. از این رهگذر است که شهر می‌تواند نقطه قابل اتکایی در شبکه جهانی شهرها بیابد و کارکردهای خود را بهبود بخشد. یکی از مشارکت کنندگان در این باره می‌گوید:

«بعضی از مدیران شهری اهواز، تجربه کافی در حوزه کارشون ندارن. از اداره یا سازمان دیگه ای میان و انتصاب شون نمی‌تونه کمک موثری به حل مشکلات کنه. چون تا بیاد راه بیفته و مسلط بشه بر مجموعه اش، دوره مدیریتش سرمیاد» (۳۳ساله، کارشناسی‌ارشد).

مشارکت کننده دیگر با اشاره به سطح مدیریت در شهر اهواز تجربه خود را چنین بیان می‌کند:

«بعضی از مدیران رو میشه گفت مدیر شهری و بعضی دیگه رو مجریان عملیاتی شهرداری. این‌ها می‌تونن هر دو لازم باشن اما مدیر شهری باید خلاق باشه و ضمن تسلط به وظایفش، افق‌های جدیدی جلوی شهر باز کنه». بسیاری، معتقدند که جامعه آینده، جامعه‌ای شهرنشین خواهد بود. بنابراین، شهرها به جای این که مکان‌هایی بی‌ثمر برای سرمایه‌گذاری اقتصادی یا تراکم کارگران بیکار با انبوه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی باشند، باید به مراکز رشد و پویایی اقتصادی



و اجتماعی، در چارچوب ملی، بدل شوند. این مراکز، باید آفرینش‌گر فرصت‌هایی ارزنده برای رفاه و توسعه، نه تنها جمعیت ساکن در آن، بلکه جمعیت تمامی کشور باشد.

نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی آگاهی و تجربه زیسته نخبگان و مدیران استان خوزستان از تعریف، مفهوم و ابعاد مدیریت شهری است. برای دستیابی به این هدف ۱۴ نفر از نخبگان و مدیران استان به روش پدیدارشناسی بررسی شدند. بنا بر نتایج، پدیدار اجتماعی مدیریت شهری اهواز شهروندان در حوزه‌های مختلف، مطرح شده است.

عمده موضوعات مورد توجه مشارکت‌کنندگان پیرامون وظایف مدیران شهری، ساختار مدیریت شهری اهواز، تسهیم دانش و مواردی از این دست بوده است که همگی نشان‌دهنده نوعی نارضایتی از دانش و شیوه مدیریت شهری در اهواز است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان معتقدند مدیریت شهری اهواز میانگین مدیریت سایر کلانشهرها عملکرد ضعیف‌تری دارد و کیفیت نامطلوب مبلمان شهری، آبرفتگی معابر و سایر چالش‌های شهر اهواز موید این دیدگاه است. از منظر تاریخی، قوانین مدیریت شهری در ایران، به مفهوم امروزی خود، تقریباً راهی صدساله را طی کرده است. در سال ۱۲۸۶ خورشیدی و یک‌سال پس از گشایش اولین مجلس شورای وقت، سه قانون بلدیه، انجمنهای ابالتی و تشکیل ایالات و ولایات به تصویب مجلس وقت رسید. انجمن‌های بلدی نیز قبل از آنکه بتوانند کاری را از پیش ببرند، بعد از چهارسال به پیشنهاد دولت وقت منحل گردیدند. زیرا، مدیران اغلب شهرها از تخصص لازم در زمینه مدیریت تشکیلاتی و آشنایی عملی با فنون شهرسازی و مدیریت شهری برخوردار نبودند.

مشارکت‌کنندگان پژوهش با مرور تاریخ تشکیل نهادهای مدیریتی شهر و مقایسه آن با وضعیت امروز مدیریت شهری بر این باورند هنوز مدیران شهری، از دانش مدیریت در شهر به اندازه کافی برخوردار نیستند و مقررات دست و پاگیر اداری، این مشکلات را دوچندان می‌سازد. اقدامات و برنامه‌هایی که از طریق آنها صورت می‌گیرد، اغلب از عمق لازم برخوردار نیست. اغلب آنها به صورتی سلیقه‌ای و با وجود مشکلات ساختار اداری که نقش مهمی در اجرای درست برنامه‌ها دارد، به کار می‌پردازند. از نظر مشارکت‌کنندگان اگرچه دولت‌ها باید نقش پشتیبانی، ارشادی و هدایتی شهرداری‌ها را داشته باشند، ولی برنامه‌های



آنها بدون توجه به منافع و یا مضراتی که برای شهر دارد، بر امور شهرها سایه افکنده است. این مورد به مسایل ساختاری و تشکیلات موجود شهرداری‌ها باز می‌گردد. از نظر آنان مدیریت شهری آگاه به وظایف در سایه ثبات مدیریتی و همچنین، در تعامل با مجموعه‌های علمی استان، می‌تواند خلاقیت و افق‌گشایی شهری را مدنظر قرار دهد و محدودیت‌های ساختاری را در راستای حل مشکلات مانع راه خود نبیند.

از نظر مشارکت‌کنندگان، با وجود قوانین متعدد و بعضاً دست و پاگیر در برخی حوزه‌ها هنوز خلا قوانین وجود دارد و مماشات غیرضروری سبب می‌شود که برخی گذشت‌ها یا نادیده انگاری‌ها شکل بگیرد که می‌تواند تبعات نامناسبی برای جامعه داشته باشد. در حالی که هدف مدیریت شهری در آنجا کمک به افراد و تسهیل روند اداری فعالیت یا کسب و کار آنان است. از نظر آنان هر اقدامی که برای شهر صورت می‌گیرد، باید برنامه خود را با برنامه‌ای شهر هماهنگ سازد. در این میان، آنچه که به نفع شهر نیست، نباید به مرحله اجرا در آید.

استراتژی‌ها و راهکارهای پیشنهادی مشارکت‌کنندگان برای برون‌رفت از وضعیت کنونی و ارتقاء کیفیت حکمرانی شهری در اهواز، پیگیری مطالبات شهروندان و گزارش روند پیشرفت‌ها در این حوزه است. از نظر آنان مجموعه مدیریت شهری در استان باید به شکلی محسوس چالش‌ها و مشکلاتی که عموم شهروندان با آن مواجه‌اند را مورد توجه قرار دهند و در صورت تمرکز بر حل آنها، به شکلی شفاف گزارش پیشرفت پروژه‌ها را به اطلاع شهروندان برساند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.





References

- Imani Jajermi, H. (2007). Municipality law, Iran's first rise towards democracy. Hossein Imani Jajermi, *Sarmayeh newspaper*. (in Persian)
- Abdulhi, M. (2012). evaluation of the social dimensions of urban neighborhoods in the framework of social capital, a case study of Shiraz neighborhoods, *Urban Management*, 32: 163-184. (in Persian)
- Armed Forces Organization. (2004). Geographical dictionary of the settlements of Ahvaz city, first volume. (in Persian)
- Azizi, M. M. (2010), sustainable urban development; An understanding and analysis from a global perspective, Safa, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, 11 (33): 14-27. (in Persian)
- Barabadi, M. (2004): The Alphabet of the City, first edition, publications of the Organization of Municipalities and Villages of the country. (in Persian)
- Barakpour, N., Goharipour H.& Karimi, M. (2010). Evaluation of the performance of municipalities based on the measurement of people's satisfaction with urban services (case example: districts 1 and 11 of Tehran city). *Urban Management Quarterly*, 25, 218-203. (in Persian)
- Barakpour, N. & Asadi, I. (2008). Urban Management and Governance. Tehran., University of Arts. Research assistant. (in persian)
- Barakpour, N. & Asadi, I. (2018). Urban management and governance, University of Art Publications. (in Persian)
- Barakpour, N. (2008). Transition from urban government to urban governance in Iran, thesis of the doctoral course of urban planning, University of Tehran. (in Persian)
- Bonds, M. (2019). urban social theory, (city, self and society), translated by Dr. Rahmatullah Sediq Sarostani, Tehran University Press, first edition. (in Persian)
- Budlai, H. (2015). Phenomenological research method, Tehran: *Sociologists*. (in Persian)
- Hajipour, Kh. (2008). neighborhood planning program - the basis of an effective approach in creating sustainable urban management, *Fine Arts Magazine*, 26: 37-46. (in Persian)
- Imani Jajermi, H. (2012). The Law on Organizations, Duties and Elections of the Islamic Councils of the Country and the Election of Mayors. (in Persian)
- Oakley, P. & Oakley, M. (2012). Participation approaches. Translated by Mansour Mahmoud Nejad, Tehran: *Publication of Jihad Rural Issues Research Center*. (in Persian)

- Salehi, R., Nemati, M. & Amanpour, S. (2013), Investigating the mechanism and influence of social capital indicators in optimal urban governance using Amos, a case study: Shahr Nasim Shahr, *Journal of Spatial Planning (Geography)*, 4 1: 1-24. (in Persian)
- Arabshahi, Z. (2004). The program of the fourth law under the microscope of good urban governance, *Municipalities Quarterly*, 6 (69): 21-29. (in persian)
- Mohed A., Kaman Roudi, M., Sasanpour, F. & Ghasemi Kafroodi, S. (2014). Investigation of good urban governance in urban neighborhoods (case study of District 19 of Tehran Municipality), *Urban Planning Studies Quarterly*, 2(7):147-176. (in Persian)
- Nazarian, A. (2008). Cities of the Future: Center of Human Disaster or Platform for Cultural Balance, *Space Magazine. Geography*, 1 (3). (in Persian)
- Nasiri, I. (2014). Evaluation of the management performance of the central area on the effectiveness of the optimal urban governance, a case study of District 4 of Tehran, *Journal of Urban Planning and Research*, 6(21): 156-39. (in Persian)
- Latifi, Gh. (2008). Urban Management. *Publications of the Organization of Municipalities and Villages of the country*. (in Persian)
- Meshkini, A., Pourmousavi, S. M. & Moezen, S. (2012). Evaluation of the neighborhood management model based on desirable urban governance indicators, case study: Evin neighborhood. *Quarterly Journal of Urban Studies*, 2(6): 31-42. (in persian)
- Mohammadpour, A. (2011). Anti-Method of Qualitative Research (Steps and Practical Procedures in Qualitative Methodology), Tehran: *Sociologists*. (in Persian)
- Aylett, A (2015). Institutionalizing the urban governance of climate change adaptation: Results of an international survey". *Journal of Building Capacity for Climate Change Adaptation in Urban Areas*, 41 (1): 4-16. (DOI: 10.1016/j.uclim.2015.06.005) .
- Beere, D. (1996). An investigation using experimental phenomenology. *Dissoclecion*, IX (1), 48-58.
- Blair, H. (2000): Participation and Accountability at the Periphery: Democratic Local Governance in Six Countries. *World Development*, pp: 21-39
- Coleman, j. (2009). Social in the creation of human capital. *American journal of Sociology*, 94:95-120.
- Culling Worth. J.B. (1997). *Toward Country Planning in the UK*. Routledge, London.
- Hycner, R. (1985). Some Guideline for the Phenomenological Analysis of Interview Data. *Human Studies*, 8: 279-303.
- Lerner, D. (2008). *the Passing of Traditional Society Modernizing the Middle East*. New York: Free Press.



- Romańczyk, K. (2015). Towards urban governance: Twenty years of neighborhood contracts in the Brussels-Capital Region, 44: 1-8.
- Patton, M. Q. (2002). *Qualitative Research & Evaluation*. London: Sage Publication.
- Stewart, K. (2006). Designing good urban governance indicators: The importance of citizen participation and its evaluation in Greater Vancouver, *Cities*, 23 (3): 196–204 .
- Watson. V. (2009). The planned city sweeps the poor away: Urban planning and 21st century urbanization, *Journal of Progress in Planning*, 72: 151–193.
- UNDP, (1997). *Defining Core Characteristics of Good Governance*, United Nations Development Programme, Management Development and Governance Division, Strengthening Capacity for People-Centred Development, UNDP, New York.
- UN-HABITAT. (2004). *Urban Governance Index (UGI): A Tool to measure progress in achieving good urban governance. Global Campaign on urban Governance.*

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.